

عشق در فلسفه و عرفان

(از دیدگاه افلاطون و غزالی)

سیده مهشید پیام

سرشناسه : پیام، مهشید، ۱۳۴۴
 عنوان و نام پدید آور: عشق در فلسفه و عرفان (از دیدگاه افلاطون و غزالی) / مهشید پیام.
 مشخصات نشر: دزفول، اهورا قلم، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۰۰ص
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۴۲-۲۶-۲
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : غزالی، احمد بن محمد، ۴۵۰-۵۵۰ق — نظریه درباره عشق (عرفان).
 موضوع: افلاطون، ۳۴۲-۳۴۷ق.م. — نظریه درباره عشق (عرفان).
 موضوع: عشق (عرفان) — مطالعات تطبیقی
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰/ع ۲۸۶/۹/ب BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۸۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۱۶۹۲۷



عشق در فلسفه و عرفان (از دیدگاه افلاطون و غزالی)

نویسنده : سیده مهشید پیام

انتشارات : اهورا قلم

طرح جلد: سمیرا بلوایه

نوبت چاپ : اول - پاییز ۱۳۹۰

چاپ : الهادی

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۷۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۴۲-۲۶-۲

ISBN : 978- 964 – 8942 – 26– 2

ahoora . ghalam@yahoo . com

www.ahoora-ghalam.ir

پست الکترونیک ناشر :

نشانی اینترنتی:

آدرس : دزفول، خیابان اکباتان، بین خ میرداماد و خ قاضی، کوچه بنفشه، پلاک ۱۹۴

شماره تماس : ۰۹۱۶۶۴۱۵۸۹۴ - ۰۶۴۱۳۲۴۹۱۲۴

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
دیباچه	۸
مقدمه	۱۰
معرفی افلاطون و غزالی	۱۳
فصل اول: چیستی عشق از دیدگاه افلاطون و غزالی	۳۲
عشق از دیدگاه فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها	۳۴
مفهوم لغوی عشق از دیدگاه افلاطون	۳۶
مفهوم لغوی عشق از دیدگاه غزالی	۳۸
مفهوم اصطلاحی عشق از دیدگاه افلاطون	۴۰
مفهوم اصطلاحی عشق از دیدگاه غزالی	۵۹
نتیجه‌گیری مباحث فصل اول	۶۹
فصل دوم: اقسام عشق از دیدگاه افلاطون و غزالی	۷۵
اقسام عشق نزد افلاطون	۷۶
اقسام عشق نزد غزالی	۹۴
مقایسه‌ی نظر افلاطون و غزالی در اقسام عشق	۱۰۶
فصل سوم: ویژگی‌های عشق از دیدگاه افلاطون و غزالی	۱۴۷

۱۴۹	ازلی بودن عشق
۱۵۲	دوسویه بودن عشق
۱۵۷	نفی غیر
۱۶۹	توحید
۱۷۳	غیرت
۱۷۸	نیروبخشی
۱۷۸	آرامش بخشی
۱۸۱	نتیجه گیری از مباحث فصل سوم
	فصل چهارم: مقایسه‌ی نظر افلاطون و غزالی در
۱۸۶	مورد متعلقات عشق و ارتباط آنها با هم
۱۸۸	رابطه عشق با زیبایی از نظر افلاطون
۲۱۱	رابطه‌ی عشق با زیبایی از نظر غزالی
	مقایسه‌ی نظر افلاطون با غزالی در مورد رابطه‌ی
۲۲۰	عشق با زیبایی
۲۲۷	رابطه‌ی عشق با
۲۳۵	رابطه‌ی عشق با خیر از نظر غزالی
	مقایسه‌ی نظر افلاطون با غزالی در مورد رابطه‌ی
۲۴۰	عشق با خیر

فصل پنجم: نقش عشق در اخلاق افلاطون و اخلاق

۲۵۳

عرفانی غزالی

۲۷۳

نتیجه‌گیری فصل پنجم

۲۷۶

فرجام سخن

۲۸۹

فهرست منابع و مآخذ

www.ketab.ir

دیباجه:

نیاز انسان به عشق، نیازی بشری و در عین حال همیشگی است. اغلب حکما و عرفا در شرح عشق زمینی و عشق آسمانی داد سخن داده‌اند. زیرا بیگمان در معرفت نقش و شناخت لطایف روحی انسان، امتدادانی کارآموزده بوده‌اند. ما در جامعه‌ی کنونی با بحران عواطف انسانی روبرو هستیم بخصوص که در بسیاری جوامع غربی و بعضی از جوامع شرقی داشتن روابط آزاد جنسی خارج از مدار زناشویی پذیرفته شده است و آن را نیازی طبیعی از جنس همه‌ی نیازهای انسان دانسته‌اند. در حالی که حکمای بزرگی چون سقراط و افلاطون خطر آزادی‌های جنسی صرف را دریافته‌اند و سعی در شناساندن عشق حقیقی از مجازی داشته‌اند و راه حل‌هایی در این زمینه ارائه داده‌اند که مسلماً در دنیای کنونی می‌تواند مؤثر واقع شود. همانطور که فلاسفه سعی در هدایت این میل داشته‌اند، عرفای بزرگ نیز طریقه‌ی خود را شناساندن مفهوم عشق و معرفی راههای بهره‌گیری صحیح از این میل قرار داده‌اند. با تحقیق در آراء این بزرگان می‌توان امیدوار بود که غرب و شرق در عالی‌ترین حس انسانی به هم می‌رسند. عشق چه از نوع زمینی و چه از نوع آسمانی آن، می‌تواند وسیله‌ی سعادت و کمال انسان گردد. چیزی که در دنیای کنونی از مفهوم واقعی خود فاصله گرفته است.

موضوع کتاب حاضر عشق در فلسفه و عرفان از دیدگاه افلاطون و غزالی و ارتباط آن با اخلاق است و مقایسه‌ی آن با نظر شیخ احمد غزالی در این مورد است. به دلیل بدیع بودن موضوع و علی‌رغم تفحص‌های مکرر

در معتبرترین کتابخانه‌های سراسر ایران کتاب یا رساله‌ای که اختصاصاً به تحقیق در این موضوع پرداخته باشد نیافتم. پس ناچاراً از منابعی که در فهرست منابع ذکر شده در تبیین موضوع بهره برده‌ام. جا دارد از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر عبدالحسین خسروپناه که با رهنمودهای بزرگوارانه بنده را در نگارش این کتاب راهنمایی فرمودند تشکر و سپاسگزاری نمایم.

سیده مهشید پیام - ۱۳۹۰

مقدمه

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند
(حافظ)

چگونه می‌توان از عشق سخن نگفت، حال آنکه مکرر گفتن از آن و پرداختن به آن نه تنها ملال‌آور نیست بلکه هر گونه به سخن درآید صاحب‌دلائق را خوش آید.

آن گوهر تابناک آسمانی، آن اکسیر حیات، آن شور، آن آتش و آن سوختن و افروختن چه می‌تواند باشد جز بارقه‌ی نگاه اهورایی حق بر وجود آدمیان که تاج شرف، کرامت، فخر و عزت آنها شد؛ که چون به انسان عرضه شد رسالتش آغاز گردید.

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود

یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

(حافظ)

حیات آغاز نگردید مگر با عشق. عشق جز زندگی و حیات چه می‌تواند نامیده شود؟ سخن در این باب چون غالباً آمیخته به ابهام است، صاحب‌نظران برخورد‌های متفاوتی با آن داشته‌اند؛ گاه به آن به صراحت پرداخته‌اند تا مفهوم حقیقی آن را از مجازی‌اش باز شناسانند. و گاه به دلیل پندار خطایی که عوام از آن دارند و ابهامی که اگر برطرف نشود چه بسا مبتدیان به غلط افتاده «عشق ابزاری و صوری» را که بازاربایان بیمار در ادبیات و فرهنگ عامیانه «عشق حقیقی» وانمود کرده‌اند تا کشش‌های بیمارگونه را تفسیر به عشق کرده و آن را به جوانان قالب نمایند؛ رسالت خویش می‌دانسته‌اند که این دو مفهوم را از هم جدا کنند. گاه نیز در این

باب سکوتی معنی‌دار کرده‌اند به این دلیل که رموز عشق را نمی‌توان در هر کوی و برزن فاش کرد و چه بسا که اسرار به دست نامحرمان افتد چنانکه لسان‌الغیب می‌فرماید:

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نگه دارد

گذشته از حافظ که لطایف عشق را با کلام هنرمندانه‌ی خود چون چو اغبی دائم الفروغ فراروی ما نهاده است، عارفان بزرگی چون مولانا جلال‌الدین رومی، شیخ مصلح‌الدین سعدی، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، سنایی غزنوی، محمد و احمد غزالی، فخرالدین عراقی و محی‌الدین ابن عربی با دیده‌ی ژرف‌بین در این وادی گام نهاده‌اند که از آن میان، احمد غزالی از جهاتی برجستگی خاصی دارد.

در اندیشه‌های اسلامی فلاسفه و عارفانی چون محمد و احمد غزالی رسیدن به مقام حقیقت و کشف حقایق راه عرفان، بدون مرکب عشق ناممکن است.

نه تنها در مکتب پریار اسلام بلکه در تمام مکتب‌های فلسفی و عرفانی و انسانی - اعم از مکاتب شرق و غرب - عشق از رنوس مسائلی است که به آنها بسیار بها داده می‌شود. از دیرباز در فلسفه‌ی یونان، حکمایی چون سقراط و افلاطون توجه فراوانی به عشق و محبت مبذول داشته‌اند. توجه و بیان اندیشه‌های اخلاقی و معنوی این دو اندیشمند در باب عشق، توأم با نوعی الهام بود.

به دلیل نوع نگاه اندیشمندان مسلمان و اروپایی همچون غزالی و افلاطون به مقوله‌ی عشق که هر کدام عشق را به گونه‌ای توصیف می‌کردند افلاطون و غزالی پایه و اساس عشق را معرفت می‌دانستند و معتقد بودند آنکس که معرفتش بیشتر است، عشقش افزون‌تر است و نهایت عشق را اتحاد عالم و معلوم، عاقل و معقول می‌دانستند.

با توجه به تشابهات موجود در این زمینه میان افلاطون و غزالی که هر کدام را می‌توان نماینده‌ی تفکر عرفانی غرب و شرق دانست، موضوع کتاب حاضر عشق در فلسفه و عرفان از دیدگاه افلاطون و غزالی و ارتباط با اخلاق برگزیدم. بضاعت نگارنده اندک و رمز و رازها فراتر از مجال و حال پژوهنده، امید اینکه سروران در کمی‌ها و کاستی‌ها به دیده‌ی اغماض نگریسته و بر مایبخت‌هایند و با راهنمایی‌های بزرگوارانه‌ی خود بر آگاهی‌های ما بیفزایند.

در آغاز کلام خلاصه‌ای از زندگی فیلسوف بزرگ افلاطون و سپس شمه‌ای از زندگی غزالی آورده می‌شود. پس از آن در پنج فصل و یک نتیجه‌گیری به بررسی آراء و اندیشه‌های فلسفی-عرفانی افلاطون و غزالی می‌پردازیم.